

درآمدی بر مطالعات خاورشناسان درباره سیره محمد(ص)

فروغ پارسا*

چکیده

شخصیت منحصر به فرد پیامبر اکرم(ص) و تأثیر بی‌بدیل ایشان در پیدایی تمدن قدرتمند اسلامی از دیرباز توجه مسیحیت و نیز پژوهشگران غرب را به خود جلب نموده است. آباء کلیسا از همان آغاز به دلایل بسیاری پیامبری محمد(ص) و آموزه‌های آسمانی ایشان را انکار کرده‌اند و در خلال قرون وسطی تلاش بسیاری در جهت باژگون نمایاندن چهره ایشان در غرب صورت پذیرفت. با مرور زمان و تحولاتی که به دنبال عصر روشنگری در اروپا به وقوع پیوست، کم‌وبیش حقیقت وجودی آن حضرت مانند آفتابی از پس ابرها برون افتاد و آثار علمی و واقع‌بینانه‌تری درباره سیره پیامبر(ص) تدوین شد. مطالعات خاورشناسان درباره سیره محمد(ص) در دوره‌های مختلف با رویکردهای مختلف انجام گرفته است، لکن تنها شمار اندکی از تألیفات غربی توانسته‌اند شخصیت جامع آن حضرت به مثابه رهبر معنوی و نیز مقتدای سیاسی و اجتماعی مسلمانان را ترسیم نماید.

کلید واژگان: تاریخ اسلام، سیره پیامبر(ص)، حدیث اسلامی، مطالعات خاورشناسان.

* دانشیار پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران،

f.parsa@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

Copyright © IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مقدمه

وجود متعالی محمد(ص) به مثابه پیام‌آور وحی قرآنی و مبلغ رسالت اسلامی و نیز شخصیت منحصر به فرد اخلاقی و روحانی ایشان از آغاز، مرکز توجه عالمان و اندیشمندان ادیان دیگر بوده است. از سوی دیگر، محمد(ص) رهبر معنوی آیینی است که در اندک زمانی توانست در بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از آسیا، آفریقا و اروپا گسترش یابد و امروز پس از پانزده قرن، میلیون‌ها نفر از مردم جهان هر صبح و شام بر رسالت آن بزرگوار شهادت می‌دهند.

مطالعه سیره پیامبر(ص) با توجه به نقش محوری ایشان در زندگی اجتماعی مسلمانان به‌ویژه برای غرب همواره اهمیت داشته و دانشمندان غربی با انگیزه‌ها و رویکردهای مختلف آثاری در این مهم تألیف کرده‌اند. نخستین نگاشته‌ها مربوط به محافل مذهبی مسیحیت شرقی و غربی در سده‌های نخستین اسلامی است که آثاری با رویکرد جدلی بر علیه شخصیت و رسالت آن حضرت تدوین شد. با آغاز جنگ‌های صلیبی و در خلال قرون وسطی اگرچه خشونت و خون‌ریزی بسیاری پدید آمد ولی اروپاییان به‌طور اجباری با فرهنگ و تمدن اسلامی آشنا شدند و از شدت مخاصمات آنها کاسته شد. از ربع سوم قرن نوزدهم تمایل و گرایش‌هایی که به پژوهش در زندگی حضرت عیسی(ع)^۱ در بین متألّهان پروتستان مسیحی به وجود آمده بود، به مطالعه درباره دیگر پیامبران نیز سرایت کرد و دانشمندان غربی به تحقیق و مطالعه درباره زندگی پیامبر اسلام(ص) تمایل پیدا کردند (Motzki, 2004: 14). از سوی دیگر، سده نوزدهم مقارن دورانی است که بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به استعمار غرب درآمده و خاورشناسان با انگیزه‌های سیاسی به این زمینه تحقیقی ورود پیدا کردند و آثاری در سیره پیامبر(ص) تألیف نمودند. از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دانشمندان غربی با رویکردی اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) به مطالعه در تاریخ اسلام و سیره پیامبر(ص) پرداختند و اصالت و اعتبار منابع اسلامی را مورد مناقشه قرار دادند. پدیده بی‌بدیل انقلاب اسلامی و پیامدهای سیاسی آن و نیز پدیداری عصر پست

مدرنیسم و شکل‌گیری دوره فرهنگی^۱ در سه دهه آخر قرن بیستم از عوامل مهمی برای تغییر رویکرد مطالعات غربی درباره سیره پیامبر(ص) بودند که در این زمینه آثار همدلانهای درباره شخصیت آن بزرگوار تألیف شد. با این‌همه، پس از قرن‌ها هنوز در غرب، برای شناخت عمیق و دقیق شخصیت پیامبر اسلام(ص) حرکتی جدی صورت نگرفته است. این جستار البته درخور بضاعت علمی درصدد است تا برخی از آثار مهم غربی درباره سیره پیامبر(ص) را که با رویکردهای پژوهشی مختلف نگاشته شده‌اند معرفی نماید.

۱. رویکرد جدلی

محمد(ص) در اوایل قرن هفتم میلادی به پیامبری دین مبین اسلام مبعوث شد. این آیین به فاصله کوتاهی تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در جغرافیای سیاسی جهان به وجود آورد و امپراطوری‌های بزرگ آن زمان را متوجه قدرت و عظمت این دین نوین کرد. در اوایل قرن هشتم میلادی قلمرو اسلام در آسیا از سواحل دریای سرخ تا مرزهای چین، در آفریقا از بستر رود نیل تا اقیانوس اطلس، در اروپا از تنگه جبل الطارق تا دره گارول و در بحرالروم جزایر مدیترانه و جنوب شبه‌جزیره ایتالیا گسترده بود (رشاد، ۱۳۵۱: ۱۹). بی‌تردید آشنایی غرب با فرهنگ و تمدن اسلامی از آن دوران آغاز شده بود و البته تضاد منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی، مقابله دول اروپایی با این دین نوین را ایجاب می‌کرد. بنابر گزارش‌های تاریخی، امپراطوری روم شرقی برای مقابله با دین اسلام و شخصیت پیامبر(ص) راهبان و دانشمندان دینی را بسیج نمود. (رامیار، ۱۳۶۲: ۶۵۳).

نخستین گزارش‌ها از مقابله روحانیون و مبلغان مسیحی با پیامبر اسلام و قرآن مربوط به یوحنا دمشقی (متوفی قبل از ۷۵۴ میلادی) است. یوحنا در کتابی با عنوان فرقه‌ها^۲ علاوه بر مناقشات درباره قرآن، چند مورد شخصیت پیامبر اسلام(ص) را زیر سؤال می‌برد. اثر مهم دیگر مربوط به شخصی مسیحی بانام مستعار عبدالمسیح ابن‌اسحاق کندی است که در قرن سوم/نهم تألیف شده است. کندی که شخصیت تاریخی وی به‌درستی معلوم نیست، درصدد القای این مطلب است که پیامبر

1. Cultural Turn
2. Liber de haeresibus

اسلام(ص) تحت تأثیر راهبی مسیحی به نام سرژیس^۱ قرآن را به تقلید از انجیل انگاشته است و پس از رحلت پیامبر(ص) دو یهودی به نام‌های کعب الاحبار و عبدالله بن سلام مطالبی از منابع یهودی به قرآن اضافه کرده‌اند. این رساله به زبان لاتین ترجمه گردید و با عنوان "Epistula Saraceni et Rescriptum Christiani" در «مجموعه تولدو» (طلیطله) قرار گرفت. این مجموعه شامل چندین رساله ضداسلامی و ترجمه قرآن به زبان لاتین بود که به همت پطرس محترم^۲ (متوفی ۱۱۵۶ میلادی) -سراسقف کلیسای کلونی- تهیه شده بود. رساله کندی خاستگاه بسیاری از اطلاعات دانشمندان غربی درباره اسلام بوده است (Bobzin, 2004: 236). البته برخی از دانشمندان غربی نیز مطالب این رساله را قابل اعتماد نمی‌دانند.

قدیمی‌ترین اثر نیکیتاس بیزانسی^۳ (متوفی بعد از ۸۸۶ میلادی) علیه قرآن و پیامبر(ص) با عنوان "Anatrope tes Para tou Arabos Moamet Plastographeises Biblou" است که قرآن را نوشته‌ای نامنظم، غیرمنطقی، حاوی جعلیات و قصه‌های متناقض می‌داند که از زبان پیامبر(ص) نیست و نیز انسجام کتاب‌های مذهبی و شرعی را ندارد. رساله دیگر مربوط به سخرنانی کوردوبا^۴ (متوفی ۵۸۹ میلادی) است که در کتاب خود پیامبر(ص) را عیناً مانند کندی و یوحنا دمشقی مورد انتقاد قرار می‌دهد. علاوه بر این‌ها آثار دیگری نیز از فعالیت‌های مسیحیان علیه اسلام گزارش شده است. با سقوط قسطنطنیه به دست ترکان مسلمان در سال ۱۴۵۳ میلادی، تمام جدل‌های بیزانسی بر ضد اسلام متوقف شد و کانون حمله، به اروپای مسیحی منتقل گشت، به طوری که کاردینال^۵ «نیکولاس کوزایی»، روند تازه‌ای از حمله را به دستور و خط‌دهی پاپ «پیوس دوم» آغاز نمود. پاپ از وی خواست تا کتابی بنویسد و در آن از دین اسلام انتقاد نماید، از این‌رو کوزایی (متوفی ۱۴۶۴ میلادی) کتابی را با عنوان «غریبال قرآن»^۶ منتشر ساخت و در آن بر اسلام حمله نمود (Bobzin, 2044: 243).

-
1. Sergius
 2. Peter de Ver Nable
 3. Niketas of Byzantium
 4. Eulogies of Cordoba
 5. Cardinal
 6. Nicholas Cosaie
 7. Cribratio Alcorani

در این میان شماری از پدران «دومینیکی» و «ژزوئیت» با نشر کتاب‌هایی متعدد، به‌طور پیاپی به اسلام و پیامبر(ص) حمله می‌کردند که شاید از همه مهم‌تر اثر دو جلدی لوودیکو ماراکچی^۱ (متوفی ۱۷۰۰ میلادی) است که در رد و نقد متن قرآن و زندگی پیامبر(ص) نوشته شد. اثر ماراچی اگرچه دقیق و مبتنی بر روش‌های علمی نبود ولی خاستگاه و پایه پژوهش‌های بعدی اسلام‌شناسان غربی قرار گرفت (Bobzin, 2004: 244). به نظر می‌رسد تألیفات معاصر ضداسلامی نظیر کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی در ادامه همین سنت قرون‌وسطایی است. به‌طور کلی در تحلیل این آثار باید گفت که مسیحیت و آباء کلیسا اساساً پیامبری و رسالت محمد(ص) را با منافع خود در تضاد می‌دیدند؛ از این رو است که گاهی او را پیامبری دروغین و زمانی او را مسیحی مطرودی وانمود می‌کردند. در واقع در قرون‌وسطی مسلمانان به‌عنوان بت‌پرستانی که محمد(ص) را پرستش می‌کردند تلقی می‌شدند. حتی نام پیامبر بزرگوار اسلام را با اهانت تحریف کرده و از لفظ ماهوند^۲ استفاده می‌کردند. این واژه معانی مختلفی از جمله روح تاریکی و «پیامبر دروغین» دارد (شیمل، ۱۳۸۵: ۴). تبلیغات و آثار جدلی این دوران، محمد(ص) را فردی ضد مسیح و مبلغ مذهب و شریعتی دروغین، خشونت‌طلب و افراط‌گرا در مسائل جنسی ترسیم کرده بود (وات، ۱۳۷۸: ۱۲۵-۱۲۶)

پیش‌داوری‌های مربوط به خشونت و عقب‌ماندگی عرب‌ها که یادگار باقی‌مانده از جنگ‌های صلیبی است هنوز هم وجود دارد. در تعالیم کلیساها و مدارس غرب چنین القا می‌شد که عرب‌ها انسان‌های ستمگر و عقب‌مانده‌ای هستند که سرزمین‌های مقدس مسیحیان را آلوده کرده‌اند (کارلسون، ۱۳۸۰: ۱۶). در حقیقت همان‌طور که در برخی آثار منصفانه غربی منعکس شده است، اروپاییان به‌دلیل احساس حقارتی که نسبت به اسلام داشتند، این تصویر تحریف‌شده از اسلام را اشاعه دادند و ظلمتی که به ایشان نسبت می‌دهند در حقیقت یک نوع فرافکنی ظلمتی است که خودشان دارند (وات، ۱۳۷۸: ۱۴۱؛ آرمسترانگ، ۱۳۸۳: ۲۶) محققى در این باره می‌گوید: بی‌شک در همه

1. Ludovico Maracci
2. Mohound

ادیان آموزه‌هایی برای مقابله با دشمنان وجود دارد، ولی در تبلیغات هیچ‌گاه این امور پررنگ نشده است. عیسی (ص) در انجیل (۳۴/۱) می‌گوید: گمان نکنید من به روی زمین سلامت آورده‌ام، من برای آوردن شمشیر آمده‌ام نه سلامت. در بسیاری از آیات تورات نیز به اعمال سیاست خشونت‌آمیز فرمان داده می‌شود. برای مثال در کتاب پنجم، موسی (ص) درباره کنعانیان می‌فرماید: «در شهرهایی که پروردگارت در اختیار تو نهاده هیچ جنبنده‌ای را نباید زنده بگذاری. هیتی‌ها، آموری‌ها، کنعانی‌ها، پریزی‌ها، هیوی‌ها و یبوشی‌ها را طبق فرمان خدایت باید نابود کنی». یوشع پس از فتح اریحا این فرمان را عملی ساخت و بدون اینکه بین زن و مرد و پیر و جوان تفاوتی قائل شوند همه را از دم تیغ گذراند. هیچ‌کس حتی گمان هم نمی‌تواند بکند که چنین نظراتی در انجیل بااخلاق مسیحی و یهودی سازگاری داشته باشد (کارلسون، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸).

خشونت و خونریزی اروپای مسیحی در خلال جنگ‌های صلیبی در مقابله با مسلمانان قابل‌انکار نیست. دولت‌مردان مسیحی اروپایی چند نوبت در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۴۹۲ میلادی پس از بازپس‌گیری اندلس و سیسیل، مسلمانان ساکن در این نواحی را قتل‌عام کردند. قتل‌عام و آدم‌کشی در این نواحی فقط وقتی پایان گرفت که امپراطور مطمئن شد دیگر در آن سرزمین‌ها مسلمانی وجود ندارد (آرمسترانگ، ۱۳۸۳: ۳۵). این در حالی است که اندلس^۱ تقریباً ۸۰۰ سال در قلمرو اسلام بود و مسیحیان و یهودیان باکمال آرامش در کنار مسلمانان زندگی می‌کردند. همان‌گونه که آرنولد^۲ در کتاب خود با عنوان «تاریخ گسترش اسلام» به کمک دلایل و مدارک فراوان نشان می‌دهد، مسلمان شدن ملل گوناگون در آسیای غربی، آفریقا، اسپانیا، ایران، آسیای مرکزی، هند و چین از بیم شمشیر مسلمانان نبوده و با آزادی و به‌دلخواه صورت پذیرفت (آرنولد، ۱۳۵۸: ۱۴۲-۱۴۹). گزارش‌های تاریخی نشان داده‌اند که مسلمانان در مواجهه با اهل کتاب، تساهل می‌کردند و به آنها اجازه می‌دادند طبق احکام دین خود عمل کنند. رفتارهای صلح‌آمیز اسلام، در گسترش این دین در مناطق دوردست نقش مهم‌تری از جنگ داشته است (کارلسون، ۱۳۸۰: ۱۹).

1. Andalus
2. Arnold

به این ترتیب است که ارباب کلیسا برای ترس از گرایش مردم اروپا به اسلام، این افکار غیرواقعی را ترویج می‌کردند. این در حالی است که کتاب مقدس مسلمانان در چندین جا تصریح دارد که وجود مقدس پیامبر(ص) مایه رحمت و برکت برای همه مردم است: «ما ارسلناک الا رحمه للعالمین» (الانبیاء: ۲۱). مهر و محبت پیامبر(ص) و علاقه ایشان حتی به کافران آنقدر گسترده است که خداوند برای این همه عشق و محبت، به پیامبر(ص) خرده می‌گیرد و می‌فرماید: «وللعلک باخع نفسک الا تومنون» (کهف: ۶) همچنین خداوند یکی از عوامل مهم محبوبیت پیامبر(ص) در بین امت خودش را مهربانی و نرم‌دلی وی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ولوکنت فظاً غیظ القلب لانظفوا من حولک» (آل عمران: ۱۵۹). به دلیل این ویژگی‌ها در قلب مردم جای‌گرفتی و اگر تندخوی بودی از گردت پراکنده می‌شدند. در سیره پیامبر(ص) آمده است که وی هیچ‌گاه بر کسی تندی نکرده و همه ظلم و آزارهایی که به وی می‌شد با مهربانی پاسخ می‌داد. پیامبر(ص) پس از فتح مکه، همه مشرکان را که سال‌ها وی و مسلمانان را مورد همه‌گونه شکنجه قرار داده بودند مورد عفو و بخشش قرار داد (ابن هشام، ۱۹۳۶م، ج ۴ ص ۴۱-۵۰، شهیدی، ۱۳۸۴: ۹۵، سبحانی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۷۲۵). در طول ۲۳ سالی که پیامبر(ص) در مکه و مدینه رهبر مسلمانان بود با توجه به وحی الهی و شخصیت معنوی و روحانی خود توانست قبایل ناهمگون و مخالف عرب را با یکدیگر متحد کند و نظام متقن و سامانندی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان و قبایل مختلف در کنار یکدیگر پایه‌ریزی نماید. چنانکه پس از رحلت وی نیز حکومت‌های اسلامی با توجه به سنت پیامبر(ص) توانستند نظام‌هایی مبتنی بر حقوق انسانی در سرزمین‌های مختلف پایه‌گذاری کنند تا ادیان مختلف بتوانند به راحتی و آرامش در کنار یکدیگر زندگی کنند.

۲. رویکرد تاریخی نگر^۱

مطالعات غرب در زمینه سیره پیامبر(ص) از ربع سوم قرن ۱۹ چهره دیگری پیدا کرد و دانشمندان غربی با رویکردی تاریخی نگر به این مطالعات پرداختند. می توان گفت علت اصلی این امر، شکوفایی دانش تاریخ و پیدایش مطالعات تاریخی - انتقادی درباره زندگی عیسی(ع) در بین متألهین پروتستان مسیحی بود که آنها را به تحقیق و مطالعه درباره زندگی پیامبر اسلام(ص) ترغیب نمود (Motzki, 2004: xiv)، اگرچه مقاصد سیاسی، مستشرقان، در این زمینه تحقیقی نباید نادیده گرفته شود؛ چنانکه در این مورد تصریحاتی نیز از جانب خود ایشان در دسترس می باشد.^۲

واقعیت آن است که خاورشناسان همواره به گونه ای کاملاً غیرمنصفانه در پی شبیه سازی تحولات تاریخی مربوط به زندگی مسیح(ع) با زندگی پیامبر اسلام(ص) بوده اند و تصور می کردند که او همان موقعیتی را در اسلام دارد که مسیح در مسیحیت داشته است. به همین دلیل تا چند دهه پیش، اسلام را «آیین محمدی^۳» می خواندند (نصر، ۱۳۸۵: ۴۶) و این اصطلاحی بود که مسلمانان از آن ناراضی بودند (گیب، ۱۳۶۷: ۲۲)

گوستاو وایل^۴ (۱۸۸۹-۱۸۰۸ میلادی) دانشمند آلمانی، نخستین اثر عالمانه از شرح حال پیامبر(ص) را در ۱۸۴۳ میلادی در کنار مطالبی درباره تاریخ قرآن منتشر نمود، پس از وی ویلیام میور^۵ (۱۹۰۵-۱۸۱۹ میلادی) و والویس اشپرنگر^۶ (۱۸۷۸-۱۸۱۲ میلادی) نیز به تدوین سیره پیامبر(ص) پرداختند. کتاب میور در چهار مجلد از سال ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۱ منتشر شد. بر روی هم مؤلفان این آثار سعی کرده اند با استفاده از شواهد قرآنی و مدارک حدیثی که به نظرشان موثق می رسید، چهره تاریخی پیامبر اسلام(ص) را بازسازی کنند که تا حدود بسیار زیادی با آثار خام و خشن

1. Approach Historicistic

۲. ویلیام میور، که در یکی از ایالت های هندوستان وابسته سیاسی است، انگیزه خود را از تألیف کتاب «زندگی محمد(ص)» این گونه بیان می کند: اطلاع از سیره محمد(ص) برای شناسایی پیروان وی حتماً لازم است.

3. Muhammadanism

4. Gusta voil

5. William Muir

6. Wallis Spereger

قرون وسطایی متفاوت بود. ولی به دلیل تمایلات ضد اسلامی که ذاتی آنها بود در تحلیل و تفسیر واقعیت‌ها بیراهه رفتند و در بسیاری موارد به دلیل اهانت به شخصیت پیامبر(ص) احساسات مسلمانان را جریحه‌دار کردند (گیب، ۱۳۶۷: ۱۷). مؤلفان این آثار آگاهانه سعی نمودند، خاستگاه ماورایی و معنوی دین اسلام و پیامبر(ص) را نادیده بگیرند و آن را به صورت پدیده تاریخی محض مطالعه کنند (زریاب، ۱۳۷۰: ۱۰-۹) و سیره پیامبر(ص) را با مبانی اقتصادی و سیاسی تحلیل نمایند. این آثار همچنان در پی تعقیب این نظریه بودند که اسلام از یهود و مسیحیت اقتباس شده و حتی اشپرنگر معتقد بود که محمد(ص) نام خاص پیامبر اسلام نبوده و وی این نام را تحت تأثیر خواندن انجیل و پیوند با مسیحیان بر خود نهاده است (حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۰).

۳. رویکرد تشکیک‌آمیز^۱

در اواخر قرن نوزدهم، مطالعات خاورشناس مجارستانی، اگناتس گلدتسیهر^۲ (۱۹۲۱-۱۸۵۰ میلادی) درباره اسلام، موجی از شکاکیت و ناباوری نسبت به اصالت منابع اسلامی در غرب به وجود آورد. گلدتسیهر یهودی که سال‌ها در مجامع اسلامی در مصر و سوریه حضور پیدا کرده بود، ظاهراً مطالعات گسترده‌ای در زمینه تاریخ، حدیث و قرآن انجام داده است، اما وی نیز پیش‌فرض‌های ذهنی و تعصب مذهبی خود را بر یافته‌های علمی ترجیح داد و جانب انصاف را در تحقیق رعایت نکرد و سعی نمود، واقعیات تاریخی را براساس نظریه‌پردازی‌های خود تحلیل و تفسیر بنماید (بدوی، ۱۳۷۷: ۵۱۹-۵۲۰)

گلدتسیهر در کتابی با عنوان «آیین محمدی»^۳ ادعا می‌کند احادیث پیامبر(ص) و صحابه به‌عنوان منابع تاریخی معتبر نیستند، زیرا عموماً در دوران امویان و عباسیان گزارش شده‌اند و در نتیجه توسعه و تکامل فقه و اصول عقاید مسلمانان به وجود آمده‌اند (Goldziher, 1890, vol2: 19). به اعتقاد گلدتسیهر آنچه به‌عنوان سنت پیامبر(ص) وجود دارد، در زمان خود وی رایج نبوده بلکه در دوره‌های بعدی به وجود آمده است

1. Sceptekial Approach

2. Agnats Goldsier

3. Muhammedanische Studien

(Goldziher, 1890, vol2: 24-42). حتی وی بر آن است که در قرآن، پیامبر(ص) به عنوان الگوی مسلمانان معرفی نشده است (حسینی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۳۷-۱۴۰). در عین حال گلدتسیهر نمی‌تواند تحسین خود نسبت به شخصیت پیامبر(ص) را انکار کند و می‌گوید «پیامبر(ص) باشخصیتی استوار و نستوه با عقاید سنتی اعراب که در ساختارهای کهن خانوادگی و قبیله‌ای آنها ریشه‌های مستحکمی داشت به مبارزه برخاست» (Goldziher, 1890, vol. 1: 21). در واقع گلدتسیهر نیز در پی اثبات این ادعاست که پیامبر(ص) مبانی اسلام و شریعت اسلامی را از یهود به عاریت گرفته است (Goldziher, 1890: 651-659). شبهه‌های گلدتسیهر را مسلمانان چندی پاسخ گفته‌اند (بدوی، ۱۳۸۲: ۱۲۴-۱۰۸).

در سال‌های بعد دیدگاه‌های گلدتسیهر شک‌و‌تردید بیشتری نسبت به اعتبار و وثاقت احادیث اسلامی به‌وجود آورد. چنانکه لئون کایتانی^۱ (۱۸۶۹-۱۹۳۵ میلادی) و هنری لامنس^۲ (۱۸۶۲-۱۹۳۷ میلادی) بر مبنای نظریه گلدتسیهر، آثاری درباره تاریخ اسلام تدوین نمودند. لامنس خاورشناس بلژیکی، کتابی با عنوان «سیره محمد از خلال قرآن و حدیث چگونه نوشته شد؟» را تألیف کرده است، در این کتاب بدون دلیل بر همه کتاب‌های سیره می‌تازد و آنها را غیرقابل اعتماد می‌شمرد. وی علی‌رغم اطلاعات زیادی که درباره اسلام داشت به دلیل تعصب مذهبی از جاده دانش‌ورزی منحرف شد. چنانکه بسیاری از خاورشناسان نیز بر وی خرده می‌گیرند. جرج جرداق^۳ می‌گوید: لامنس علم خود را در خدمت حقیقت قرار نداد بلکه تصمیم گرفت عواطف دوستانه‌ای را که نسبت به بزرگان مسلمان در صدر اسلام وجود دارد از بین ببرد. این هدف، وی را از رسالت علمی‌اش بیرون برد؛ چنانکه در بررسی‌های تاریخی‌اش، اگر در امری دو وجه یا دو احتمال وجود داشت، اسناد و مدارک فراوانی را که به تأیید وجه صحیح و رأی درست دلالت داشتند همه را رها می‌ساخت و به سندی غریب که احتمال نادرست را به خیال خودش تقویت می‌کرد اعتماد نشان می‌داد. همچنین هنگامی که می‌دید اسناد و دلایل فراوانی فضایل بزرگان اسلام را تأیید می‌کند، سکوت

1. Leon Caetani
2. Henri Lammens
3. Jorj Jordagh

کرده و اساساً موضوع را نادیده می‌گرفت. لامنس با چنین اسلوبی، حوادث مربوط به محمد(ص) و علی(ع) و از سوی دیگر، احوال ابوسفیان و معاویه را بررسی می‌کند. او دسته اول را آماج افترا قرار می‌دهد و دسته دوم را مورد تمجید قرار می‌دهد (جورج جرداق، بی تا: ۳۷۶-۳۷۸).

در ادامه تشکیک‌های گلدتسیهر، یوزف شاخت^۱ (۱۹۶۹-۱۹۰۲) براساس مطالعه‌ای که در احادیث فقهی کرده بود، این نظریه را عنوان کرد که حجم فراوانی از روایات موجود پس از عصر شافعی یعنی در قرن سوم هجری رواج و تداول یافته‌اند (Schacht, 1959: 3-4)، شاخت نتایج پژوهش خود درباره احادیث فقهی را به حوزه‌های دیگر از جمله روایات کلامی و تاریخی نیز سرایت می‌دهد و می‌گوید: بخش قابل ملاحظه‌ای از سیره‌نگاری‌های متعارف برای پیامبر(ص)، بدان‌گونه که در قرن دوم هجری پدید آمده‌اند، خاستگاهی بسیار تازه داشته و از همین رو مستقلاً ارزش تاریخی ندارند (Schacht, 1949: 148-151).

یکی از جدیدترین مقالاتی که درباره سیره محمد(ص) نوشته شده، مربوط است به آندرو ریپین^۲، استاد دانشگاه ویکتوریا در کانادا، با عنوان «محمد در قرآن» که در سال ۲۰۰۰ میلادی در مجموعه مقالاتی منتشر شد. در این جستار ریپین می‌کوشد تا تلاش دانشمندان غربی دیگری نظیر ولش^۳ و دیگران را عبث جلوه دهد. یعنی کسانی که سعی کرده‌اند از خلال آیات قرآن چهره و شخصیت پیامبر(ص) را ترسیم کنند. او می‌گوید در قرآن فقط چهار بار اسم محمد آمده است و هیچ دلیلی ندارد که منظور متن همان محمدرسول‌الله باشد و نیز هیچ دلیلی وجود ندارد که صیغه‌های مخاطب در سوره‌های قرآنی مربوط به رسول خدا باشد و در مجموع، هیچ ارتباط ضروری بین پیامبر(ص) و قرآن وجود ندارد (Rippin, 2000: 300-313). بیانات ریپین، سخنان بی‌دلیل و متفلسفانه سوفسطاییان را به یاد می‌آورد. به‌راستی با استدلال‌های ریپین و امثال وی کدام گزاره تاریخی قابل اثبات است؟ کدام گزاره تاریخی و یا استدلال منطقی رسالت موسی و عیسی و دیگر پیامبران و ارتباط آنها با کتاب‌های مقدس را ثابت کرده

1. Josef Schacht
2. Andrew Rippin
3. Weelch

است؟ تاریخ پیغمبر تاریخ بسیار روشن و مستندی است، حتی دقایق و جزئیاتی از زندگی پیغمبر اکرم به صورت قطع و مسلم امروز در دست است (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۸). تاریخ‌های مربوط به شرح زندگانی محمد(ص) در میان تاریخ‌های مربوط به سرگذشت همه پایه‌گذاران بزرگ ادیان از همه روشن‌تر بوده است (شیمل، ۱۳۸۵: ۱۰). درحالی‌که وجود حضرت عیسی(ع) که نزدیک‌ترین پیامبر صاحب‌شریعت به ماست، بدون تأیید قرآن، اساساً قابل اثبات نیست (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۸).

درمجموع مطالعاتی که با این رویکرد در موضوع سیره پیامبر(ص) انجام گرفته، در پی القای دو مطلب است؛ نخست آنکه ویژگی پیامبری محمد(ص) را نادیده انگاشته و آموزه‌های وی و کتاب مقدس قرآن را اقتباسی از یهود و مسیحیت قلمداد کند و دیگر آنکه منابع تاریخی و حدیث اسلامی را بدون اصالت و اعتبار وانمود نماید.

از بررسی مجموع آثار شکاکانه درباره سیره پیامبر(ص) می‌توان به این نتیجه رسید که: ظاهراً استدلال اصلی آنها بری عدم اعتبار احادیث اسلامی این مطلب است که حدیث پیامبر(ص) حداقل تا حدود ۱۵۰ سال پس از ایشان نوشته نشده است و به دلیل فاصله طولانی بین نقل حدیث و تدوین آن احتمالاً در معرض تحریف قرار گرفته است. این در حالی است که شماری از مسلمانان و نیز عده‌ای از مستشرقان این ادعا را به گونه‌ای مستدل پاسخ گفته‌اند. نایبا ابوت^۱ (۱۸۹۷-۱۹۸۱ میلادی)^۲ در شمار نخستین زن مسلمانانی است که در پژوهش‌های خود تلاش کرده با ارائه اسناد تاریخی، نشان بدهد که یک حرکت مستمر قدیمی در کتابت حدیث حتی در زمان حیات پیامبر(ص) وجود داشته است (Abbot, 1957: 5-7).

فوادسزگین (متولد ۱۹۲۴ میلادی) نیز برای مقابله با شبهه عدم نگارش حدیث در قرن اول هجری تلاش‌های زیادی کرد. تدوین کتابی با عنوان تاریخ نگارش‌های عربی^۳ به زبان آلمانی حاصل این تلاش است که در آن مجموعه معتناهی از تألیفات اسلامی

1. Nabiya Abbot

۲. برای شرح حال ابوت بنگرید به: مشکین‌نژاد و دیگران، فرهنگ خاورشناسان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶: ۲۳.

3. Fuat Sezgin, Geschichte des anabischen Schriftens, Leiden Brill, 1967

که مربوط به قرن اول هستند گردآوری شده است. وی می‌گوید در حوزه نقل حدیث اسلامی، احتمال شفاهی بودن ضبط احادیث اساساً خیلی کم است؛ زیرا در این حوزه، روش برگرفتن دانش، به گونه‌ای است که مستلزم وجود سند مکتوب است (سزگین، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۸-۱۰۴).

محمد مصطفی اعظمی^۱ از دیگر محققان این جریان است. وی در دو کتاب مهم خود با عنوان «تحقیق در نگاشته‌های حدیثی متقدم^۲» و «نقدی بر مبادی فقه اسلامی ساخت^۳» تلاش می‌کند تا دریافت ناکافی دانشمندان غربی از نگاشته‌های حدیثی را تصحیح و تقطیر کند و مخصوصاً نظریه ساخت را رد و ابطال کند (Berg, 2000: 23). اعظمی مثل ابوت و سزگین بر آن است که فعالیت پرشوری قبلاً در طی حیات پیامبر(ص) جهت ثبت و نگارش حدیث وجود داشته که خود آن حضرت آن را تشویق می‌کرده است (Azami, 1978: 1-121).

باید دانست که برخی از دانشمندان اسلامی معتقدند در اوایل نزول وحی، این نگرانی وجود داشت که حدیث پیامبر(ص) با قرآن مخلوط شود، ولی بعدها دیگر چنین نگرانی وجود نداشت و اصحاب پیامبر(ص)، نگارش حدیث را جایز می‌دانستند (السباعی، ۱۴۲۷ق: ۶۸؛ صبحی صالح، ۱۳۸۴ق: ۲۲-۲۰) این افراد اساساً این مسأله را مطرح می‌کنند که خواندن و نوشتن حتی پیش از اسلام در جزیره‌العرب و به‌ویژه در مکه رواج داشته است و دلیلی ندارد تصور شود که حدیث پیامبر(ص) ثبت نمی‌شده است. (صبحی صالح، ۱۳۸۴ق: ۱۹-۱۴) علمای امامیه نیز معتقدند رسول خدا(ص) در زمان حیاتشان به نگارش حدیث دستور فرموده‌اند (الحسینی‌الجلالی، ۱۴۲۷ق: ۵۵۱؛ مهدوی‌راد، ۱۴۲۷ق: ۴۴-۶۹ و ۲۵۳) به‌جز مسلمانان شماری از دانشمندان غربی، حدیث اسلامی را معتبر می‌دانند و شبهه‌های جریان شکاکیت را مورد مناقشه قرار می‌دهند.^۴

1. Mohammad Mostafa Azzami
2. Studies in Early Hadith Literature
3. On Schacht's Origins of Muhammadan Jurisprudence

۱. در این باره مراجعه شود به:

Motzki, H. (2004). "Introduction-Hadith; Origins and Developments", in H. Motzki (ed), Hadith, Aldershot, 12-44.

۴. رویکرد همدلانه و ستایش‌گرانه

وجود مقدس پیامبر(ص) اسلام، چنانکه پیش‌تر گذشت، از همان آغاز مورد بی‌مهری و برداشت نادرست غربیان واقع شد. بیش از هزار سال است که در منابع مختلف اروپایی انواع اهانت‌ها متوجه آن بزرگوار شده است. این در حالی است که عشق‌ورزی به پیامبر(ص) بر هر مسلمانی واجب است و در واقع بخش اصلی از زندگی دینی را در اسلام تشکیل می‌دهد. این عشق کلید عشق به خداست. خداوند کسی را که پیامبرش را دوست ندارد، دوست نمی‌دارد (نصر، ۱۳۸۲: ۵۳). با این‌همه، مسیحیان مطلقاً از درک حرمت بسیار والایی که مسلمانان برای پیامبر خود قائل‌اند ناتوانند (شیمل، ۱۳۸۵: ۲) می‌توان ملاحظه کرد، تلاش برای بهتر درک کردن افکار مسلمانان و پیدا کردن راه‌های همدردی و هم‌اندیشی با آنان فقط در بین اقلیتی از غربیان در جریان است. از سوی دیگر برای فرد غیرمسلمان، به‌خصوص مسیحیان، فهم اهمیت معنوی پیامبر اسلام(ص) و نقش آن حضرت به‌عنوان مثل‌اعلای حیات دینی و معنوی دشوار است. زیرا ماهیت روحانی پیامبر(ص) در ماهیت بشری‌اش مخفی مانده و رسالت روحانی محض آن حضرت در وظایفش به‌عنوان راهنمای انسان‌ها و رهبر اجتماع نهان شده است. به‌همین دلیل ماهیت معنوی پیامبر(ص) در اکثر آثاری که به زبان‌های غربی نوشته‌شده مغفول مانده است (نصر، ۱۳۸۲: ۹۳-۹۰).

در این میان، تلاش مسلمانانی که به تألیف کتاب‌هایی در سیره پیامبر(ص) به زبان‌های غربی اهتمام نمودند که قابل‌تحسین و تقدیر است. این آثار عمدتاً در واکنش به فعالیت‌های تبشیری مبلغان مسیحی، در هند که مستعمره انگلیس بود تألیف گردیدند. در شمار قدیمی‌ترین این آثار، می‌توان به «زندگی و تعالیم محمد یا روح اسلام» اثر سید امیرعلی^۱، اشاره داشت که در سال ۱۸۹۷ میلادی (۱۲۷۷ق) در دهلی انتشار یافت. همچنین کتاب «پیامبر اسلام»^۲ اثر محمد حمیدالله^۳ (۱۹۵۹ میلادی) و نیز

1. Life of Mohamet The Spirit of Islam
2. Syed Ameer Ali
3. Le Prophete de l'Islam
4. Mohammad Hamid Allah

کتاب «محمد، زندگی پیامبر»، اثر مارتین لینگز^۱ و نیز کتاب‌هایی که اخیراً سیدحسین نصر و نیز فضل‌الرحمن تألیف کرده‌اند، نقش عمده‌ای در شناسایی و معرفی شخصیت پیامبر اسلام(ص) به غربی‌ها داشته‌اند. در بین غربی‌ها البته شخصیت‌های بسیاری نظیر لامارتین، امرسون، گوته، برناردشاو، تولستوی و دیگران زبان به ستایش از پیامبر اسلام(ص) گشوده‌اند. شاید بتوان گفت ریلاند^۲ (۱۶۷۸-۱۷۱۸ میلادی) خاورشناس هلندی، نخستین اروپایی است که در تیرئه اسلام از اتهامات و تفکرات قرون وسطایی تلاش داشته است. مهم‌ترین اثر وی کتابی با عنوان «درباره آیین محمدی^۳» به زبان لاتین است. ریلاند در این اثر، میانه‌روی و موضع‌گیری واقع‌گرایانه‌ای نسبت به اسلام و پیامبر(ص) از خود نشان می‌دهد. بخش نخست این کتاب، شرح و ترجمه‌ای از نوشته کوتاهی به قلم یک نویسنده مسلمان درباره عقاید اسلامی است که ریلاند متن اصلی این نوشته را مورد ویراستاری قرار داده است. بخش دوم کتاب، تحقیقی است درباره عقاید بی‌پایه‌ای که در اروپا از قرون وسطی تا سده هفدهم درباره اسلام، قرآن و سنت نبوی مطرح بوده است. ریلاند در این بخش سعی در تصحیح عقاید مزبور براساس قرآن، سنت و تألیفات مسلمین دارد (بدوی، ۱۳۷۵: ۳۳۴-۳۳۵) در بین آثار مهم، کتاب توره آندرئه^۴ «زندگی و عقاید محمد» نیز اهمیت زیادی دارد. وی کوشیده است تا نقش محمد(ص) را در دین‌داری مسلمانان نمایش دهد و جنبه‌های عرفانی شخصیت او را بنمایاند (Andrea, 1932).

در شمار کسانی که سعی کرده‌اند تا حدود زیادی شخصیت پیامبر اسلام(ص) را توصیف نمایند، شرق‌شناس اسکاتلندی همیلتن گیب^۵ (۱۸۹۵-۱۹۷۵ میلادی) بوده که کتاب وی با عنوان اسلام، «بررسی تاریخی» در ۱۹۴۸ میلادی منتشر شد. گیب در فصل مجزایی از این کتاب، سیره پیامبر اسلام را بنا بر روایت مشهور در بین مسلمانان توضیح داده است. گیب در این اثر با انتقاد از ترسیمی که در غرب درباره اسلام و پیامبر(ص)

1. Martin Lings
2. Relandus
3. Die Religioni Mohammedica libriduo
4. Tore Andrea
5. Mohammed, Sein Leben, Sein Glaube
6. Hamilton Gibb

وجود دارد تلاش می‌کند بانفوذ در منابع اصیل اسلامی و به‌دوراز تعصب‌های مسیحی و غربی، شرح‌حالی تحلیلی از پیامبر(ص) را تدوین کند. وی برخلاف بیشتر غربی‌ها که قائل به انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی برای حرکت پیامبر(ص) هستند، تصریح می‌کند که انگیزه او از آغاز تا انجام دینی بود و بنابر وحی الهی و آنچه از ملکوت به او می‌رسید درباره همه‌چیز قضاوت می‌کرد. (گیب، ۱۳۶۷: ۴۲) او می‌گوید: تضادی که غربیان بین پیامبر گمنام مورد آزار در مکه و رهبر حکومت دینی جنگجو در مدینه قایل می‌شوند غیرموجه است، زیرا هرگز در وجدان و ادراک محمد(ص) درباره رسالتش تردیدی حاصل نشده بود (گیب، ۱۳۶۷: ۴۵).

گیب درباره جنگ‌های پیامبر(ص) می‌نویسد: مقصود اصلی و اساسی او منحصراً امور دینی بوده است و می‌خواست، قبایل سرکش و مغرور را تحت نفوذ مسائل اخلاقی و مذهبی درآورد و دل‌مشغولی اصلی پیامبر(ص) در تمام سال‌های رسالت، آموزش و پرورش و استقرار انضباط در میان افراد جامعه بوده است (گیب، ۱۳۶۷: ۴۷-۴۸).

گیب با ستایش از شخصیت فردی و اخلاق پسندیده پیامبر(ص) و نیز نبوغ قابل‌توجه وی در رهبری اجتماعی تأکید می‌کند، حقیقت وجودی و شخصیت فوق‌العاده پیامبر(ص) و سجایای اخلاقی وی باعث تسلط وی بر اراده و عواطف مسلمانان شده بود (گیب، ۱۳۶۷: ۴۹-۵۱).

در زمره آثار نسبتاً خوش‌بینانه معاصر درباره پیامبر اسلام محمد(ص) کتاب‌های ذیل اهمیت زیادی دارند:

۱. «محمد و قرآن»، اثر رودی پارت^۲ دانشمند آلمانی: این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۵۷ میلادی منتشر شد و پنج بار تجدید چاپ گردید و هر بار تجدیدنظری در آن اعمال شده است. پارت کوشیده است تا با ارائه تلفیقی از تاریخ محیط پیدایش اسلام و مراحل اولیه رشد این دین، خلاصه‌ای از

1. Muhammad und der Koran
2. Part

نظریات عالمانه و گزیده‌هایی از قرآن را نیز به خواننده ارائه دهد (گراهام، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۳).

۲. «مسأله محمد^۱»، اثر رژی بلاشر^۲ خاورشناس فرانسوی: این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۵۲ میلادی منتشر شد. بلاشر، شرح زندگی پیامبر(ص) را به صورتی نقادانه به نگارش درآورده است. وی در پاره‌ای موارد از غرض‌ورزی‌های خاورشناسان فاصله می‌گیرد و آرای غریب آنان را نمی‌پذیرد، ولی خطاهایی نیز دارد. پاره‌ای از این خطاها جزئی است، ولی برخی اشتباهات به شکلی است که نمی‌توان آنها را مولود اشتباه زبان‌شناسی دانست. به عنوان نمونه در ترجمه آیه ۱۵۸ از سوره اعراف که تعبیر «النبی الامی» برای پیامبر(ص) به کار رفته، معادل فرانسوی *le Prophète des Gentils* را آورده است که این ترجمه با «پیامبر بت‌پرستان» یا «پیامبر گروهی که کتاب آسمانی ندارند» برابری می‌کند. درحالی‌که واژه «امی» در این آیه بنابر معنای لغوی آن از «پیامبر ناخوا و نانویسا» صحبت می‌کند. باتوجه به اینکه آیه ۴۸ سوره عنکبوت دلالتی روشن بر این امر دارد، به نظر می‌رسد که بلاشر نمی‌خواسته اعتراف کند پیامبر ارجمند اسلام ناخوا و نانویسا بوده است، ناگزیر این راه را در ترجمه قرآن در پیش گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۱۴-۱۱۳).

۳. «محمد در مکه^۳»، «محمد در مدینه^۴» و «محمد پیامبر و سیاست‌مدار^۵» عنوان سه اثر مونتگمری وات^۶ دانشمند اسکاتلندی است که نقش مؤثری در تغییر تلقی اروپاییان نسبت به شخصیت پیامبر(ص) داشته است. همچنین وی شکاکیت غربیان نسبت به اصالت حدیث را بی‌مورد می‌انگارد، ولی به‌هرحال ارزیابی وی از پیامبر اسلام نارسایی‌هایی نیز دارد؛ چنانکه سعی می‌کند ارتباط پیامبر(ص) با ورقه بن نوفل مسیحی را پررنگ جلوه دهد. همچنین وی از

1. Problème de Mahomet
2. Blachere, Regis
3. Muhammad at Mecca
4. Muhammad at Medina
5. Muhammad is a Prophet and a Politician
6. Montgomery Watt

نبوت و وحی پیامبر(ص) به تخیل خلاق^۱ تعبیر کرده است. همچنین به نظر می‌رسد که در تحلیل عملکردهای مذهبی پیامبر(ص) گاهی به دنبال عوامل اقتصادی و اجتماعی است.^۲

۴. «محمد» اثر ماکسیم رودنسون^۳ خاورشناس فرانسوی است. رودنسون درباره در این کتاب می‌گوید: محمد هم یک نابغه مذهبی هم یک متفکر بزرگ سیاسی و هم یک انسان مثل من و شما بود و هیچ‌یک از این جنبه‌ها را نیز جداگانه نداشت، بلکه شخصیت وی همه این سه را باهم داشت. آنچه او می‌گفت یا انجام می‌داد برآمده از جنبه‌های مختلف شخصیت او بود. کسانی که او را صرفاً یک شخصیت تاریخی می‌پندارند باید اولاً به اهمیت ایدئولوژی که به او چنین نیرویی داده بود و نیز به خود آن ایدئولوژی فکر کنند (Rodinson, 1961: 14).

۵. «سیره پیامبر، معضل منابع» اثر هارالد موتسکی^۴ استاد دانشگاه نایمخن هلند است. به نظر می‌رسد که در دهه‌های پایانی قرن بیستم به دلیل تحولات فلسفه علم و پدیداری پست‌مدرنیسم و شکل‌گیری دوره فرهنگی، عده‌ای از خاورشناسان با نگاه دیگری به مطالعه در منابع اسلامی پرداختند و به نتایج متفاوتی دست یافتند. در این میان، پژوهش‌های موتسکی در سیره پیامبر(ص) بسیار جالب و قابل بررسی است. موتسکی در کتاب خود مجموعه مقالاتی از دانشمندان غربی در سیره پیامبر(ص) را جمع‌آوری کرده است. موتسکی معتقد است نمی‌توان حجم عظیم احادیث را غیرمعتبر تلقی کرد و کسانی که احادیث مربوط به سیره پیامبر(ص) را غیرمعتبر تلقی می‌کنند، در واقع از روش‌های مناسبی برای منبع‌شناسی استفاده نکرده‌اند. موتسکی در پژوهش خود خیلی واقع‌بینانه و بدون تعصب آثار غربی در مورد سیره پیامبر(ص) را به محک نقد و ارزیابی می‌آورد. وی معتقد است، مؤلفان این آثار اطلاعات تاریخی را

1. Creative Imagination

۲. برای تحلیل بیشتر مراجعه شود به: عبدالله محمدالامین النعیم، الاستشراق فی سیره النبویه.

3. Maxim Rodinson

4. Harald Motzki

به طور دلخواهی از منابع مختلف انتخاب کرده و برای ارزیابی و سنجش اعتبار روایات سیره، هیچ‌گونه روش علمی به کار نبرده‌اند. به اعتقاد موتسکی نتایج مطالعات گلدتسیهر و ساخت، در زمینه احادیث فقهی، حتی اگر درست هم باشد قابل تعمیم به احادیث سیره نیست (Motzki, 2000: 12-14). موتسکی در کلیه مطالعات خود از جمله در این پژوهش، از دو ابزار مهم استفاده کرده است. نخست استفاده از منابع کهنی که اخیراً در دسترس قرار گرفته‌اند؛ دوم استفاده از روش‌های نوین و پیشرفته در تحقیقات تاریخی. موتسکی، با روش تحلیل توأمان متن و سند^۱ اعتبار تاریخی احادیث سیره را در مواردی ثابت کرده است (Motzki, 2000: 170-239).

۶. «محمد رسول خدا» اثر آنه‌ماری شیمل^۲ که احتمالاً زیباترین، جذاب‌ترین، علمی‌ترین و مستندترین آثار همدلانه غربی درباره سیره پیامبر(ص) است. شیمل با استفاده از مدارک عینی و رویکردی مردم‌شناسانه و با روش‌های پدیدارشناسانه به سراغ پرده‌برداری از چهره پیامبر(ص) اسلام رفته است. شیمل نه تنها در منابع مکتوب بلکه در پی نقشی که از عشق پیامبر(ص) در دل مسلمانان حک شده، به دنبال یافتن سیمای محمد(ص) است. شیمل نیک دریافته است که این عشق هزاروپانصدساله در قالب هزاران اثر هنری همچون شعر و قصیده تابلوهای خوش‌نویسی و نقاشی و افسانه و اسطوره‌های مردمی خود را نمایانده است. شیمل برای درک و فهم واقعی شخصیت پیامبر اسلام(ص)، در میان این‌گونه آثار به جستجو می‌پردازد. از سوی دیگر، وی با سابقه دوستی که با مسلمانان داشت، مسئولیت ایجاد فضای همدلی و تفاهم بین شرق مسلمان و غرب مسیحی را در خود احساس می‌کرد؛ به همین دلیل اثبات حقانیت خاتم‌انبیا و معرفی شخصیت الهی پیامبر اسلام به غربیان را وظیفه خود می‌دانست و می‌کوشید توهمات غربی درباره پیامبر(ص) را از بین ببرد. (لاهوئی، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۹). به اعتقاد وی، محمد(ص) بیش از هر

شخصیت دیگری در دنیای مسیحی قرون میانه هراس افکنده و به همین دلیل است که هرگونه نظر ناروا و نادرست در غرب به او نسبت داده شده است. شیمل در جای جای کتاب خود از این گونه عقاید و آثار که شخصیت پیامبر(ص) را مورد تحریف و توهین قرار می دهند، اعلام انزجار می نماید. شیمل برای ترسیم سیمای پیامبر(ص) به سراغ قرآن، منابع حدیثی و نیز اشعار عرب رفته است. وی می گوید: «بی تردید پیرامون هسته مرکزی مطالب واقعی، افسانه های بی شماری تبلور یافته است. اما محبوبیت رهبر دینی راستین را از روی این افسانه ها بهتر می توان شناخت تا از روی واقعیات خشک دوران زندگی وی» (شیمل، ۱۳۸۵: ۱۰). به همین دلیل هم هست که شیمل در تحلیل و تصویر سیره پیامبر(ص) به سراغ شعر و ادبیات مسلمانان به زبان های فارسی، ترکی و اردو رفته است.

شیمل می گوید: محمد(ص) هرگز دعوی خصایص فوق بشری نکرد، او بشری بود که بر او وحی می رسید (فصلت: ۶) و تنها معجزه او قرآن بود که قداست آن در اسلام با مقام مسیح در مسیحیت قابل مقایسه است. زیرا محمد(ص) را بر اساس مباحث مطرح در الهیات نمی توان به مسیح تشبیه کرد. محمد(ص) انسانی است که تنها امتیاز خاص او این است که مرتبه شهود بی حجاب و نزول وحی حق تعالی را به او بخشیده اند (شیمل، ۱۳۸۵: ۳۷-۳۹). شیمل می گوید در عبارت دو قسمتی تشهد (لااله الا الله، محمد رسول الله) نیمه دوم عبارت، اسلام را متمایز از دیگر ادیان معرفی می کند و سنت پیامبر(ص) را یگانه قانون معتبر برای اداره زندگی مردم اعلام می نماید. چنانکه، در چند جای قرآن آمده است که فرمان برداری خدا از طریق گردن نهادن به فرمان پیغمبر است (آل عمران: ۳۱-۳۲). شیمل این روش تقلید از سنت پیامبر(ص) در میان مسلمانان را می ستاید و می گوید زندگی اجتماعی مسلمانان به دلیل پیروی از سنت، یکسانی بی مانندی یافته است و کسانی را که به گوشه و کنار جهان سفر می کنند به تحسین واداشته است. این واقعیت در شرح احوال اولیای مسلمانان نیز مشهود است و از همین طریق است که

درآمدی بر مطالعات خاورشناسان درباره سیره محمد(ص) ۱۰۱

پیامبر(ص) در میان امت خود زنده است (شیمل، ۱۳۸۵: ۴۰-۵۱). شیمل برای نمایاندن عشق مسلمانان به محمد(ص) با استفاده از ابزارها و شواهد مردم‌شناسانه به سراغ ترانه‌های عامیانه و چکامه‌های روایی و نیز تابلوهای هنری در بوم‌های مختلف اسلامی می‌رود و نشان می‌دهد هر آنچه متعلق به پیامبر(ص) است از نعال و خرقه چگونه مورد عشق و علاقه مسلمانان قرار گرفته است. محمد(ص) خاصه در شعر به صورت طیب و حبیب ظاهر می‌شود و به سبب این سیمای دوگانه است که امتش امید بر او بسته‌اند و دل درگرو عشقش دارند (شیمل، ۱۳۸۵: ۷۵). شیمل ذیل عنوان سیرت زیبای پیامبر(ص) می‌گوید: شاید غریبان که با سنت آمیخته با نفرتی چند قرنی نسبت به محمد(ص) پرورش‌یافته‌اند، تعجب کنند اگر دریابند که در همه خبرها و گزارش‌ها، خصلتی که در وجود پیامبر(ص) به‌طور خاص تأکید شده است، فروتنی و مهربانی اوست. او پرمهر و عطوفت، درعین‌حال پروقار بود و کمتر به صدای بلند می‌خندید. (شیمل، ۱۳۸۵: ۷۶) شفاعت‌خواهی محمد برای امت خویش با رحمت بخشی او ملازم است که در جای‌جای فرهنگ اسلامی قابل‌مشاهده است، چنانکه مسلمانان هرگونه عمل را به امید شفاعت پیامبر(ص) انجام می‌دهند (شیمل، ۱۳۸۵: ۱۰۵). محمد(ص) با ضعیفان به عطوفت رفتار می‌کرد، برای رسیدن به هدف، علاوه‌بر کاروکوشش به خداوند توکل می‌کرد، با فقیر و غنی یکسان برخورد می‌کرد، درعین‌حال خود در ذی‌فقرا می‌زیست. به این ترتیب پیامبر(ص)، سلطان خاک‌نشین عالم اسلام شد. مهر عشق‌آمیز محمد(ص) شامل همه خلق از جمله کودکان بود و نیز مشهور است حیوانات را نیز دوست داشت و از جهت رفتار با زنان خود برای امت خویش سرمشقی استوار برجای نهاد و توانست میان دنیای مادی و روحانی جمع کند (شیمل، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۵).

شیمل می‌خواهد به غریبان نشان دهد که چگونه پیامبر اسلام، نقش دنیوی و اخروی یا رهبریت معنوی و سیاسی را در کنار هم دارا بوده و به هر دو قداست بخشیده است. او از قول مسلمانان بیان می‌دارد، معنویت اسلام که

پیغمبر اکرم برترین مثال آن است نه به معنای ترک گفتن دنیا بلکه به معنای متعالی ساختن آن است (نصر، ۱۳۸۲: ۹۲).

در نگاه شیمیل، جهاد پیامبر(ص) نیز همانا جنگ با کافران برای دست یافتن همگان به آرامش و آشتی تعبیر شده است و پیامبر(ص) جهاد با نفس یعنی مبارزه با اخلاق زشت و غریزه‌های سرکش را جهاد اکبر نامید. او نشان داد که عارفان و پیروان مسلک‌های تصوف، جانمایه آموزه‌های خود را از سنت نبوی أخذ کرده‌اند. محمد(ص) شمع محفل است. نوری است که تاریکی این جهان را که شنوندگان در آنجا گردهم آمده‌اند نورانی می‌کند. شمع تابنده‌ای است که دل‌های انسان‌ها، همچون پروانگان مفتون برگردش جمع شده‌اند. چنان‌که قرآن، پیامبر(ص) را سراجاً منیراً می‌خواند. شیمیل که خود نیز احساسات عارفانه عمیقی داشت، در گزاره‌ای از قول ابن عربی می‌گوید، نخستین نوری که از حجاب غیب سربرزد و از علم به عرصه وجود خارجی پانهاد، نور محمد بود که «عقول»، «ارواح»، «بصائر» و ذوات همه، از ذات نورافشان محمد(ص) پرورش یافتند (شیمیل، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از بررسی آثار غربی درباره شرح حال پیامبر اسلام(ص) می‌توان به این نتایج رسید:

- خاستگاه پژوهش درباره سیره پیامبر اسلام(ص) محافل مذهبی مسیحیت در قرون وسطی است.
- جدی‌ترین انگیزه این مطالعات، ردیه‌نویسی بر اسلام و دفاع از مسیحیت بوده است.
- تألیفات غربی که در دوران روشنگری و پس‌از آن نگاشته شدند، علی‌رغم ادعای علمی و مستند بودن از انگیزه‌های ضداسلامی خالی نمی‌باشند.
- شمار انگشت‌شماری از آثار غربی توانسته‌اند تا حدودی شخصیت واقعی پیامبر اسلام(ص) را ترسیم نمایند.

درآمدی بر مطالعات خاورشناسان درباره سیره محمد(ص) ۱۰۳

کتابنامه

- آرمسترانگ، کارن (۱۳۸۳) *محمد(ص)*، ترجمه کیانوش حشمتی. تهران: حکمت.
- ابن هشام (عبدالملک بن هشام) (۱۳۰۰ق) *السیره النبویه*. بیروت: مکتبه الاسماعیلیان.
- الصالح، صبحی (۱۳۸۴ق) علوم الحدیث و مصطلحه، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالعلم للملایین،
- الحسینی الجلالی، محمدرضا (۱۳۷۶) *تدوین السنه الشریفه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- السباعی، مصطفی (۱۴۲۷ق) *السنه و مکاتنها فی التشریح الاسلامی*، الطبعة الثالثة، قاهره: دارالسلام.
- النعم، عبدالله محمدالامین (۱۴۱۷ق) *الاستشراق فی السیره النبویه*، الولايات المتحدة الامریکیه: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۷) *دایره المعارف مستشرقان*، ترجمه صالح طباطبایی. تهران: روزنه.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۳۸۲) *دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان*، ترجمه سیدحسین سیدی. مشهد: به نشر.
- جرداق، جورج (بی تا) *الامام علی صوت العدالة الانسانیة*. بیروت: بی نا.
- حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۶۱) *خیانت در گزارش تاریخ*. تهران: چاپخش.
- حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵) *نقد آثار خاورشناسان*. تهران: چاپخش.
- رامیار، محمود (۱۳۶۲) *تاریخ قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- رشاد، محمد (۱۳۵۱) *جنگ های صلیبی*. تهران: نشر اندیشه.
- زریاب، عباس (۱۳۷۰) *سیره رسول الله*. تهران: سروش.
- سبحانی، جعفر (۱۳۵۱) *فروع ابدیت*. قم: مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی.
- سزگین، فواد (۱۳۸۰) *تاریخ نگارش های عربی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۴) *تاریخ تحلیلی اسلام*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۵) *محمد رسول خدا*، ترجمه حسن لاهوتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- کارلسون، اینگمار (۱۳۸۰) *اسلام و اروپا همزیستی یا خصومت*، ترجمه داود وفايي و منصوره حسینی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

۱۰۴ مطالعات اسلامی در جهان معاصر، سال اول، شماره اول (پیاپی ۱)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

گراهام، ویلیام (۱۳۸۴) به یاد رودی پارت، ترجمه عباس امام. تهران: ترجمان وحی.
گیب، همیلتن (۱۳۶۷) اسلام بررسی تاریخی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
مشکین‌نژاد و دیگران (۱۳۷۶) فرهنگ خاورشناسان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵) سیری در سیره نبوی. تهران: صدرا.

مهدوی راد، محمدعلی (۱۴۲۷ق) تدوین الحدیث، بیروت: دارالهادی.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۲) آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام، ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: جامی.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۵). قلب اسلام، ترجمه سیدمحمدصادق خرازی. تهران: نی.

وات، منونتگمیری (۱۳۷۸) تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ترجمه حسین عبدالحممدی.
قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

Abbott, N. (1957). *Studies in Arabic Literary Papyri* (Vol. 75). Chicago: University of Chicago Press.

Andrea, T. (1956). *Mohammad Sein Leben and Sein Glaube'* Gottingen: Vandenhoeck und Ruprecht, 1932. Reprinted 1977. Translated by Theophil Menzel as *Mohammed: The Man and His Faith*. London: Allen and Unwin.

Azami, M. M., (1978) *Studies in Early Hadīth Literature*, 2nd edition: 1978. Indianapolis, American Trust Publication.

Azami, M. M., & Schacht, J. (1985). *On Schacht's Origins of Muhammadan Jurisprudence*. John Wiley & Sons Incorporated.

Berg, H. (2013). *The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim Literature from the Formative Period*. Routledge.

Blachere, R. (1952). *le Problème de Mahomet*, Paris.

Bobzin, H. (2004). "Pre1800- Preoccupations". in *EQ*, vol4, Brill, Leiden, 235-253)

Caetani, L. (1905). *Annalidell'Islam*, Milan.

Gldziher, I (1889). *Islam, The Jewish Encyclopedia*, Vol.6, 651-659.

Goldzihre, I (1889). *Muslim Studies (Muhammedanische)*, Edited by S .M Stern, Translated by G.R. Barber and S.M.Stern,Halle.

Lammens, H. (1910). *Qoran et Tradition*, Comment fut Composée la vie de Mahomet.

Motzki, H. (2000). *The Biography of Muḥammad: the Issue of the Sources*. Brill.

درآمدی بر مطالعات خاورشناسان درباره سیره محمد(ص) ۱۰۵

- Motzki, H (2000). "The Murder of Ibn Abi I-Huqayq: On the Origin and Reliability of Some Maghazi –Reports," in H.Motzki, *The Biography of Muhammad*, Leiden. 170-239.
- Motzki, H. (2004). **Ḥadīth**. Origins and Developments.
- Muir, W. (1861). *The Life of Mahomet and History of Islam to the Era of the Hegira: With Introductory Chapters on the Original Sources for the Biography of Mahomet and on the Pre-Islamite History of Arabia* (Vol. 4). Smith, Elder & Company.
- Part, R. (1956). *Muhammad und der Koran*, Stuttgart.
- Rippin, A. (2000). **Muhammad in the Quran: Reading scripture in the 21 st Century**. *The Biography of Muhammad: The issue of the Source*. Boston, MA: Brill.
- Rodenson, M. (1974). *MoḤammed*, Translated by Anne Carter, Vintage Books.
- Schacht, J. (1949). **A Revaluation of Islamic Traditions**. *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 143-154.
- Schacht, J. (1959). **Joseph**, The Origins of Muhammadan Jurisprudence.
- Sprenger, A. (1861). **Das Leben und die Lehre des Mohammad**, I-III. Berlin, 65, 215.
- Watt, M. (1953). *Muhammad at Mecca*, Oxford.
- Watt, M. (1956). *Muhammd at Medina*, Oxford.
- Weil, G. (1843). *Mohammed der Prophet, Sein Leben und Seine Lehre: aus Handschriftlichen Quellen und dem Koran Geschöpft und Dargestellt*. Metzler'schen Buchhandlung.
- Welch, A. T. (1983). **Muḥammad's Understanding of Himself: The Koranic data**. *Islam's Understanding of Itself*, 15-52.